

جورج اورول

دختر کشیش

ترجمہ
بہناز بیادہ



mikhanam.com

سرشناسه:	اورول، جورج، ۱۹۰۳ - ۱۹۵۰ م.
عنوان و نام پدیدآور:	دختر کشیش / جورج اورول؛ ترجمه‌ی بهناز پیاده.
مشخصات نشر:	تهران: مجید، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری:	۳۰۲ ص.
شابک:	978 - 964 - 453 - 098 - 2
وضعیت فهرست‌نویسی:	فبا
یادداشت:	عنوان اصلی: A clergyman's daughter
موضوع:	داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزودن:	پیاده، بهناز، ۱۳۴۱ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۳ د ۸۷۳ الف / PZ ۳
رده‌بندی میربی:	۸۳۳ / ۹۱۲
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۱۳۳۷۶۶



نشر به سخن



انتشارات مجید

دختر کشیس
جورج اورول
ترجمه‌ی بهمن بیاده

چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۰ ه. ش.
۵۰۰ نسخه

لشکرکشی مهر چاپ عطا، صحافی کیمیا
حروف‌نگار: اصغر قلیزاده
ویراستار: علی شاعری
طرح جلد: محسن سعیدی
همه‌ی حقوق محفوظ است.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳-۰۹۸-۲

ناشر همکار: نشر به سخن

آدرس دفتر: تهران، انقلاب، خ. ۱۲ فروردین، کوچه نوروز،
پلاک ۱، واحد ۲ تلفن: ۶۶۲۹۵۷۱۳ - ۶۶۲۹۱۵۸۸

www.majidpub.com

مقدمه

دختر کشیش یکی از آثار جذاب جورج اورول است که در بخش های مهم به بررسی زندگی دسته های مختلف آدم های اجتماع می پردازد و هر یک از آن ها را به نقد می کشاند. قهرمان داستان که دختر ساده ی کشیش شهری کوچک است با هر یک از این آدم ها زندگی کرده و در هر دوره نگرش او نسبت به هشی، دین و روش زندگی در نتیجه ی تعامل با این آدم ها دست خوش تغییر می شود.

دوروتی با پدرش در ملک یک کلیسا زندگی می کند کشیش که مردی بداخلاقی و تُرش مزاج است با همه ی مردم رفتاری بد و تحقیرآمیز دارد و هر روز از تعداد جمعیت نمازگزاران کلیسایش کاسته می شود؛ زیرا او فردی متعصب است و همیشه با استفاده از کلمات مهلک باعث ترس و وحشت افرادی می شود که به کلیسا می آیند و جز وظایف دینی اش در خارج از چارچوب کلیسا هیچ مسؤلیت دیگری را پذیرا نیست.

اما دوروتی که در کلیسا بزرگ شده و بنا آداب آن جا اُنس گرفته، خود را موظف به انجام امور می داند و از صبح تا شام مشغول رسیدگی به امور خانه، کلیسا و نیازمندان است و هرگز اتفاق تازه ای در زندگی اش رخ نمی دهد و این بخش اول زندگی دوروتی است که او را فردی معتقد به دین و مذهب بار آورده است. تا این که مردی به نام واربروتون که چندان خوشنام نیست، در همسایگی آن ها ملکی می خرد و که گاه به آن جا می آید. دوروتی از هم صحبتی با آقای واربروتون که به نظر او مردی دنیا دیده است، لذت می برد و او را یک دوست می شمارد؛ اما معاشرت دوروتی با وی باعث بروز مشکلات جدیدی در زندگی اش می شود و او را با دنیای بیرون از کلیسا، زشتی ها و زیبایی هایش مواجه می سازد.

در نتیجه‌ی همین آشنایی و در یک اتفاق ناگهانی، دوروتی حافظه‌اش را از دست می‌دهد و به‌ناگاه خود را در میان آدم‌های ولگردی می‌یابد که تمام هم و غم‌شان به‌دست آوردن پول و غذایی برای زنده ماندن هستند. اجتماع بی‌رحمی که این آدم‌ها را نادیده گرفته است. دوروتی زندگی را با آنان تجربه می‌کند که حتا نمی‌توانست در فکرش چنان زندگی‌ای را متصور شود. از این جا است که عقاید او نسبت به جهان هستی و اعتقاداتش درهم می‌ریزد و ایمانش دستخوش تزلزل می‌شود. اورول که خود با فقر و نداری دست‌وپنجه نرم کرده و در کتاب «آس و پاس‌های پاریس و لندن»^۱ آن را به خوبی نمایانده است، در این میان هم سعی در پرده برداشتن از چهره‌ی کزیه فقر و نداری دارد و این معضل جامعه‌اش را به تیغ تیز قلم انتقاد آمیزش می‌سپارد.

فهرست مطالب

۹-۹۴	بخش نخست
۹۵-۱۵۸	بخش دوم
۱۵۹-۱۹۲	بخش سوم
۱۹۳-۲۷۱	بخش چهارم
۲۷۲-۳۰۴	بخش پنجم